خرید آنلاین در gajmarket.com

گنج حکمت (به یاد ۲۲ بهمن)

دف: دایره، دایره زنگی، یکی از سازهای ضربی

کلاف: نخ و ریسمان و جزآن که گِرد کرده باشند، ریسمان پیچیده گِرد دوک

کِل کشیدن: هلهله کردن زنان، بانگ شادی برآوردن

هیئت: شکل، ظاهر

شکوهمند: باشکوه، باعظمت

یال: گردن، موهای گردن اسب

محوّطه: پهنه، میدانگاه، صحن

بار: اجازه، رخصت؛ بار عام: پذیراییِ عمومی، شرف‌یابی همگانی؛ مقابل بارِ خاص (پذیرایی خصوصی)

حلول: آغاز، شروع

سترگ: بزرگ، عظیم

تابناک: درخشان، نورانی

معنی ابیات

صفحهٔ ۸۸ و ۸۹ کتاب درسی

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم　　دل بر عبور از سدِّ خار و خاره بندیم

زمان آن فرار رسیده که آمادهٔ سفر شویم و دشواری‌های سفر را پشت‌سر بگذاریم.

آرایه◁ خار و خاره: استعاره از مشکلات / سدّ خار - سدّ خاره: تشبیه / خار، خاره - باره، خاره: جناس ناقص / برگ سفر بستن: کنایه از آمادهٔ سفر شدن / دل بر کاری بستن: کنایه از قصد کاری کردن

از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم　　بانگ از جرس برخاست وایِ من خموشم

از همه جا صدای حرکت شنیده می‌شود، زنگ کاروان به صدا درآمده (کاروان آمادهٔ حرکت است) افسوس که من برای حرکت آماده نشده‌ام.

آرایه◁ بانگ، خموش: تضاد / برخاستن بانگ از جرس: کنایه از شروع حرکت

دریادلان راه سفر در پیش دارند　　پا در رکاب راهوارِ خویش دارند

دلاوران، در حال سفر و آمادهٔ حرکت و هجوم هستند.

آرایه◁ دریادل: کنایه از دلاور و شجاع / پا در رکاب داشتن: کنایه از آمادهٔ حرکت و هجوم بودن

گاه سفر آمد برادر، ره دراز است　　پروا مکن، بشتاب، همّت چاره‌ساز است

ای برادر هنگام حرکت رسیده است، سفری طولانی در پیش داریم، بدون واهمه بشتاب زیرا ارادهٔ بلند و عزم قوی چارهٔ کار است.

آرایه◁ واج‌آرایی حرف «ر» و «ا»

نکته◁ بیت شش جمله دارد.

گاه سفر شد باره بر دامن برانیم　　تا بوسه‌گاهِ وادی ایمَن برانیم

وقت سفر فرا رسیده است باید اسب‌های خود را به سمت دشت به حرکت درآوریم و تا سرزمین مقدّس فلسطین برویم.

آرایه◁ بوسه‌گاه: کنایه از مکان مقدّس / مصراع دوم: تلمیح به نزول وحی به حضرت موسی (ع)

@cipbooks